ورزش

تمام اشتباهات داوری بحث‌برانگیز جام نوزدهم ۱۴

رئال در دست تعمیر ۱۴

تک‌نگاری درباره آندرس اینیستا ۱۵

تیری آنری: من مرد مبارزه‌ام ۱۶

قهرمان واقعی آفریقای‌جنوبی یک داور بود

به اختاپوس رکب بزن

وقتی اختاپوس از باغ‌وحش اوبرهاوزن آلمان کل دنیا را سرکار گذاشته بود، وقتی عادل‌فردوسی‌پور در بزرگ‌ترین فستیوال جهانی فوتبال به رنگ‌بندی لباس کارلس دونگا کلید کرده بود، این گوشه دنیا آدم‌هایی با نگاهی متفاوت به صفحه گیرنده‌های تلویزیونی خود خیره شده بودند. در هیاهوی گوشخراش «وووزلا» تمام هوش و حواس آنها به سوت‌های داور و پرچم‌های کمک‌داور دوخته شده بود. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل یک ماه یادداشت‌برداری آنها درباره عملکرد داوران در جام جهانی آفریقای جنوبی است.

میثم فرزیان

رضا غیاثی: جام ۲۰۰۲ را بیشتر می‌پسندم

رضا غیاثی صحبت‌هایش را در مورد داوری از جام جهانی ۱۹۶۶ انگلستان شروع می‌کند؛ همان‌جایی که در آن شاگردان «سرآلف رمزی» موفق شدند در دیدار فینال آلمان غربی را با گلی مشکوک پشت سر بگذارند و قهرمان شوند. قبل از برگزاری مسابقه فینال هم در بازی آرژانتین- انگلستان اتفاقات عجیبی افتاد تا انتقادات بسیاری از نحوه عملکرد داوران مطرح شود. غیاثی با یادآوری آن جام می‌گوید: «از این اشتباهات در فوتبال زیاد بوده و همیشه داوری‌ها خوب و بد داشته است. این ماجرا تنها مختص جام جهانی ۲۰۱۰ نیست.» غیاثی در ادامه به سراغ بدترین دوره جام می‌رود؛ سال ۲۰۰۲ که بازی‌ها برای اولین و آخرین بار به صورت مشترک در کره جنوبی و ژاپن برگزار شد و کار به برکناری کمیته داوران فدراسیون بین‌المللی فوتبال کشید: «اگر آن بازی‌ها را با جام جهانی امسال مقایسه کنیم من واقعاً داوری‌ها را در سال ۲۰۰۲ بیشتر پسندیدم.»

به عقیده رضا غیاثی چیدمان داورها در آفریقای جنوبی بزرگ‌ترین نقطه ضعف موجود بوده است: «اگر دو تیم اروپایی بازی دارند قرار نیست مسابقه این دو تیم را حتماً یک داور اروپایی سوت بزند.» انتخاب داور مسابقه فینال هم از سوی غیاثی مورد انتقاد قرار می‌گیرد: «بازی فینال جام را به هاوارد وب دادند. جالب است بدانید همسر این آقا پس از انتخابش به رسانه‌ها گفته بود آقای وب حتی نمی‌تواند زندگی و دو فرزندش را اداره کند چه برسد به اداره بازی پایانی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی. البته من این حرف را با این شدت قبول ندارم ولی حتماً می‌دانید انتخاب هاوارد وب برای سوت زدن در بازی پایانی تا چه اندازه مورد انتقاد واقع شد و خیلی‌ها گفتند روسای اسپانیایی کمیته داوران فیفا برای ساده‌تر کردن قهرمانی تیم‌شان او را انتخاب کرده‌اند.»

غیاثی در ادامه به سراغ معدل نمرات چند داور حاضر در آفریقای جنوبی می‌رود. روی سایت‌های اینترنتی روبرتو روزتی معدل ۷/۹ دارد و برای ماسیمو بوساکای سوئیسی معدل ۷/۵ ثبت شده است. این دو داور چنین نمراتی را در کوران داغ و نفسگیر جام قهرمانان اروپا کسب کرده‌اند و به گفته غیاثی این نمره‌ها نشان می‌دهند روزتی و بوساکا در مقایسه با هاوارد وب که نمره ۷/۱ گرفته فصل بهتری را پشت سر گذاشته‌اند. او سپس به کنار گذاشته شدن بعضی از داوران خوب آن هم به خاطر ارتکاب یک اشتباه اشاره می‌کند: «من دلم می‌سوزد وقتی داوری مثل جرج لاریوندا از بازی‌ها کنار گذاشته می‌شود یا مثلاً ماسیمو بوساکا در بازی اروگوئه و آفریقای جنوبی که فوق‌العاده عمل کرد، دلیل نمی‌شود چون اروگوئه سه بر صفر برنده دیدار بوده به خاطر جلب رضایت میزبان این داور را کنار بگذارند. آدم‌هایی مثل ولفگانگ اشتارک، ماسیمو بوساکا، ویکتور کاسایی و فرانک دی‌بلیکر داورهای بزرگی بودند و برای من خیلی عجیب بود که با حضور این افراد داوری بازی پایانی به هاوارد وب انگلیسی سپرده شد.»

عملکرد ویکتور کاسایی مجارستانی در بازی آلمان و اسپانیا یکی از بهترین قضاوت‌های جام جهانی ۲۰۱۰ از دیدگاه غیاثی بوده است: «داوری و تصمیمات داوری در فوتبال لحظه‌ای است و درست تصمیم گرفتن در کوتاه‌ترین زمان ممکن خیلی اهمیت دارد. کاسایی مجار در مسابقه نیمه‌نهایی بین آلمان و اسپانیا داور بسیار توانایی نشان داد و این به نظر من خیلی خنده‌دار است که بگویند فیفا به خاطر حذف بحث‌برانگیز انگلستان از جام و به خاطر به دست آوردن دل آنها هاوارد وب را برای قضاوت بازی فینال انتخاب کرده است.»

بحث را به تکنولوژی و استفاده آن در مسابقات فوتبال می‌کشانم. رئیس سابق کمیته داوران فدراسیون فوتبال در این مورد می‌گوید: «تکنولوژی موجود که الان مورد استفاده قرار می‌گیرد بیش از همه به رسانه‌ها و تماشاگران کمک می‌کند و هرچقدر میزان این کمک‌ها بیشتر باشد در عوض به داورها لطمه وارد می‌کند. ما می‌بینیم تعداد دوربین‌های زیاد چقدر در نمایان کردن اشتباهات داوران موثر است. خیلی‌ها می‌گویند زیبایی فوتبال به این اشتباهات است و در بازی انگلستان- آلمان و آرژانتین- مکزیک بخشی از جذابیت‌ها به خاطر اشتباهات تیم داوری بوده است. ولی من می‌خواهم بگویم قشنگی فوتبال به رعایت عدالت است. به هر حال امیدوارم مسوولان فیفا دست از لجبازی بردارند و تکنولوژی رفته‌رفته با این شرط که داور را به تماشاگر تبدیل نکند، وارد فوتبال شود.»

رضا غیاثی بزرگ‌ترین درس داوری‌های جام جهانی آفریقای جنوبی را پذیرفتن رای داوران توسط بازیکنان در هر شرایطی می‌داند. او به یک نکته ویژه هم اشاره دارد: «من زمانی راجع به تکل صحبت کردم و گفتم در فوتبال دیگر تکل مثل سابق وجود ندارد. خوشبختانه در جام جهانی ۲۰۱۰ دیدیم که داوران خیلی روی تکل‌ها دقت داشتند و تعداد بسیار زیادی از تکل‌های زده‌شده توسط بازیکنان خطا گرفته شد. داوران در این بازی‌ها برای سلامت بازیکنان اهمیت بسیار زیادی قائل بودند.»

پیشرفت قابل توجه کمک‌داورها نسبت به گذشته مورد دیگری است که رضا غیاثی روی آن دست می‌گذارد. غیاثی در ادامه می‌گوید: «امیدوارم داوران جوان ما بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی را تماشا کرده باشند و به خوبی ببینند اگر داوری خودش را قبول نداشته باشد؛ ماجرای یوجی نیشی‌مورا در بازی برزیل- هلند برایش اتفاق خواهد افتاد.» او مثل خیلی از کارشناسان اشتباه بزرگ جرج لاریوندا و کمک‌داورش را در بازی آلمان- انگلستان به عنوان نقطه تاریک داوری‌ها انتخاب می‌کند، چراکه در بازی آرژانتین- مکزیک می‌توان شلوغی جلوی دروازه مکزیکی‌ها را عامل اشتباه کمک‌داور دانست. بعد از این، اخراج کاکای برزیلی در بازی با پرتغال یکی دیگر از اشتباهات بزرگ داوری است که رضا غیاثی به آن اشاره می‌کند. او در مورد عملکرد حسن کامرانی‌فر هم می‌گوید: «تصمیم حسن کامرانی‌فر در بازی سوئیس- شیلی یک تصمیم حاد و مشکل بود. روی صحنه گل شیلی فاصله بین حق و باطل تنها چند سانتیمتر بود و تصمیم‌گیری بسیار سخت به نظر می‌رسید. اما به عقیده من کامرانی‌فر کاری را انجام داد که باید انجام می‌داد. او برای به ثمر رسیدن گل و لذت تماشاگران از روح فوتبال کمک گرفت. البته اگر کامرانی‌فر در این صحنه آفساید هم می‌گرفت کسی نمی‌توانست به تصمیم او اشکال وارد کند.»

مظفری‌زاده: کامرانی‌فر بهترین بود

سعید مظفری‌زاده از دو دیدگاه داوری‌های جام جهانی آفریقای جنوبی را قابل بررسی می‌داند. او در ابتدا همان عینکی را به چشم می‌زند که افکار عمومی در طول برگزاری مسابقات به چشم داشت. از این منظر او درست مثل بقیه عقیده دارد اوضاع به هیچ‌وجه خوب نبوده است. مظفری‌زاده اما خیلی زود به سراغ «عامل بحران» می‌رود و انگشت روی تکنولوژی پیشرفته پخش تلویزیونی مسابقات می‌گذارد؛ همان سیستمی که به قول معروف از دقیقه یک تا ۹۰ مو را از ماست بیرون کشید و با کمک ۲۶ دوربین جام را روی آنتن برد.

مظفری‌زاده می‌گوید: «از منظر افکار عمومی داوری‌ها در جام جهانی ۲۰۱۰ وضعیت خوبی نداشت. البته تکنولوژی قدرتمند و پیشرفته پخش تلویزیونی مسابقات در این زمینه بسیار تاثیرگذار بود و باعث شد هیچ صحنه‌ای از دید بینندگان و کارشناسان پنهان نماند. طبیعی است در این شرایط داوران هیچ شانسی برای پنهان کردن اشتباهات‌شان نداشته باشند و هر سوت یا پرچم اشتباهشان به سرعت توسط دوربین‌های تلویزیونی نمایان شود.»

داور بین‌المللی فوتبال کشورمان بعد از این سراغ دیدگاه کارشناسی می‌رود؛ همان دیدگاهی که همیشه با پیش کشیدن درصد خطاهای انسانی تلاش دارد اشتباهات داوری را توجیه‌پذیر جلوه دهد. چه کسی می‌تواند منکر حقانیت این نظریه شود؟ مظفری‌زاده از آخرین بیانیه فیفا و اعلام رضایت ۹۶ درصدی کمیته داوران فدراسیون جهانی سخن می‌گوید. با این حال نباید فراموش کرد در تمام مدتی که بقیه به خاطر تنها یک سوت اشتباه از کوره درمی‌روند، تنها یک داور نکته‌بین و دقیق می‌تواند شرایط همکارش را در آن بلبشو درک کند. از این منظر سعید مظفری‌زاده ضمن پذیرفتن اشتباهات موجود درست مثل مسوولان فیفا یک «ولی» در ابتدای جمله‌اش اضافه می‌کند و می‌گوید: «ولی داوری‌ها در کل قابل قبول بود. همان‌طور که فدراسیون جهانی اعلام کرده ۹۶ درصد از عملکرد کلی داوران در طول مسابقات رضایت داشته است.»

بحث را به استفاده از تکنولوژی می‌کشانم و از تاثیری می‌پرسم که این مساله می‌تواند روی داوری فوتبال بگذارد و او می‌گوید: «اگر قرار باشد در فوتبال هم تکنولوژی را مثل کشتی وارد کنند به طور قطع این روح فوتبال است که لطمه می‌بیند و ما دیگر هیچ لذتی از فوتبال نخواهیم برد. دیدن تصاویر مستلزم نگه داشتن وقت فوتبال و از تب و تاب انداختن بازی است و فکر نمی‌کنم هیچ‌کس با چنین کاری موافق باشد. البته بحث استفاده از تکنولوژی‌هایی مثل پرچم الکترونیکی کاملاً جداست. این موضوعی هم که در مورد عبور توپ از خط دروازه مطرح شده است قطعاً می‌تواند به بهبود وضعیت داوری کمک کند.»

سعید مظفری‌زاده از احترام به رای داور به عنوان بزرگ‌ترین درس این دوره از مسابقات جام جهانی یاد می‌کند. می‌پرسم خودش به عنوان یک داور چه چیزهایی از امثال هاوارد وب، روشن ایرماتوف و ماسیمو بوساکا یاد گرفته است. بالاخره بازی‌های آفریقای جنوبی فارغ از تمام هیاهوها می‌توانست برای جامعه داوری جوان و پرانرژی ایران یک کلاس درس محسوب شود. مظفری‌زاده می‌گوید: «بزرگ‌ترین درسی که عملکرد داورها در طول برگزاری این مسابقات به همراه داشت این بود که داوران برای داشتن یک قضاوت خوب ناچارند از نظر آمادگی جسمانی خودشان را به بالاترین حد ممکن برسانند.» داور بین‌المللی فوتبال کشورمان اشتباه مسلم اسپینوزا کمک‌داور بازی آلمان و انگلستان را در مرحله یک‌هشتم نهایی بزرگ‌ترین اشتباه داوران در جام جهانی ۲۰۱۰ می‌داند؛ همان صحنه‌ای که باعث شد فرانک لمپارد مفلوک به همراه تیمش سوار هواپیما شود و به کشورش برگردد.

مظفری‌زاده در بخش بهترین‌ها به سراغ کمک‌داوران می‌رود و از تصمیم حسن کامرانی‌فر در مسابقه مکزیک و فرانسه به عنوان یکی از بهترین تصمیمات داوران در جام جهانی ۲۰۱۰ نام می‌برد. مردود اعلام کردن گل مکزیک به آفریقای جنوبی در مسابقه افتتاحیه جام هم از سوی مظفری‌زاده شایسته تقدیر شناخته می‌شود.

ترکی: اشتباهات داوری یعنی جذابیت

با محسن ترکی شب بازی فینال صحبت می‌کنم. وقتی شاگردان دل‌بوسکه و برت فن‌مارویک خودشان را برای دیدار پایانی آماده می‌کردند او در مراسمی که به مناسبت جشن تولدش ترتیب داده شده بود، حضور داشت. با این حال قبول می‌کند به سوال‌هایم پاسخ دهد. اولین سوال را خیلی کلی می‌پرسم و می‌گویم داوری‌ها را در جام جهانی چطور دیده است. پاسخ ترکی به هیچ‌وجه شباهتی به مدل کارت دادنش در زمین فوتبال ندارد. وقتی جمله‌اش را با «در مجموع» شروع می‌کند، می‌فهمم باید محافظه‌کاری را از او دور کنم: «در مجموع به نظر من خوب بود. فیفا خیلی روی انتخاب، آموزش و آماده‌سازی این ۲۹ تیم داوری وقت گذاشته بود و من برخلاف بعضی از کارشناسان داخلی که می‌گویند وضع خیلی بد بوده، اعتقاد دارم در مجموع عملکرد داورها در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی خوب بوده است.» ترکی هم مثل بقیه همکارانش بیش از هر چیز دیگری ۲۶ دوربین تلویزیونی را در بالا رفتن انتقادات از عملکرد داورها مقصر می‌داند: «در جام جهانی ۲۰۱۰ انتقادات از داوری‌ها خیلی شدید بود. می‌توان گفت چنین اتفاقی تنها در جام ۲۰۰۲ سابقه داشته است. اما اگر بخواهیم دلایل این انتقادات را بررسی کنیم به دو نکته خیلی مهم برمی‌خوریم؛ یکی تعداد زیاد دوربین‌های تلویزیونی است که همه اتفاقات بازی را پوشش می‌دادند و دیگری پیشرفت چشمگیر تکنولوژی. شما تصور کنید یک کمک‌داور در لحظه‌ای کوتاه باید در مورد یک صحنه نظر بدهد اما در تصاویر تلویزیونی به لطف خطوط مجازی رسم‌شده یا هاشورهایی که از دروازه تا پشت سر آخرین بازیکن کشیده می‌شود کارشناسان و حتی افراد معمولی هم می‌توانند خیلی ساده در مورد صحنه نظر درست بدهند.»

محسن ترکی تا حدودی بدشانسی را هم در ماجرا دخیل می‌داند: «ببینید در یک دوره مسابقه خیلی کم موردی مثل ضربه فرانک لمپارد در بازی آلمان و انگلستان رخ می‌دهد، اما در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی چنین صحنه‌ای چند بار تکرار شد و متاسفانه داورها اشتباه قضاوت کردند. اگر از این صحنه‌ها صرف‌نظر کنیم همان‌طور که کمیته داوران فیفا اعلام کرده است داوری‌ها در ۹۶ درصد موارد قابل قبول بوده است.»

سراغ بحث ورود تکنولوژی می‌روم و می‌پرسم به عنوان یک داور چقدر با این مساله موافق است و تصور می‌کند تکنولوژی تا کجا می‌تواند به کم شدن اشتباهات یک داور کمک کند که او می‌گوید: «من هم مثل بقیه عقیده دارم نباید با ورود تکنولوژی اختیار و نقش داوران را در فوتبال کم کنیم. از همه مهم‌تر اینکه حضور تکنولوژی در فوتبال به جاذبه و زیبایی‌های این رشته ورزشی لطمه وارد می‌کند. من قصد ندارم بگویم اشتباه داوری جزیی از فوتبال است بلکه می‌گویم این بخشی از جذابیت فوتبال است.»

می‌پرسم حتی موضوع توپ‌های مجهز به سنسور و تشخیص الکترونیکی توپ از خط را قبول ندارد: «بحث تراشه‌های داخل توپ با مساله ماشینی کردن داوری‌ها فرق می‌کند و اصلاً شبیه داوری‌های ورزش کشتی نیست. این تراشه‌ها داخل توپ قرار می‌گیرند و در صورت عبور توپ از تمام خط تنها فرکانس‌هایی را مثل پرچم الکترونیکی برای داور ارسال می‌کنند. البته نباید فراموش کنیم که انگلیسی‌ها خودشان تا قبل از جام جهانی مخالف استفاده از این طرح بودند ولی بعد از اتفاق بازی یک‌هشتم نهایی حالا خود آنها هم به جمع موافقان استفاده از این توپ‌ها پیوسته‌اند.» محسن ترکی در ادامه سراغ حضور حسن کامرانی‌فر در آفریقای جنوبی می‌رود و می‌گوید حضور این کمک‌داور یکی از بزرگ‌ترین درس‌های جام برای فوتبال ایران بود: «حضور حسن کامرانی‌فر در جام جهانی ۲۰۱۰ حقانیت داوری ایران را ثابت کرد و نشان داد داوری ایران نه‌تنها از فوتبال کشور عقب نیست بلکه جلوتر هم هست. تیم ملی ایران به جام جهانی نرفت اما جامعه داوری ما یک نماینده در آفریقای جنوبی داشت و اتفاقاً خیلی خوب عمل کرد. حضور کامرانی‌فر در آفریقای جنوبی به عقیده من داوری فوتبال ایران را به فیفا معرفی کرد و باعث شد نگاه کمیته داوران فدراسیون جهانی فوتبال به جامعه داوری ما تغییر پیدا کند.»

آمادگی جسمانی امثال روشن ایرماتوف و ویکتور کاسایی از نظر ترکی مهم‌ترین چیزی است که داوران فوتبال ایران می‌توانند آن را به عنوان یک درس ویژه از آفریقای جنوبی قلمداد کنند. می‌پرسم انصافاً به عنوان یک داور چند مسابقه جام جهانی را تماشا کرده است آن هم نه داخل کلاس‌های آموزشی و نه به صورت فیلم‌های ضبط‌شده بلکه به صورت پخش مستقیم. می‌خواهم بدانم در این یک ماه چقدر برای کارش اهمیت قائل بوده است. او صادقانه می‌گوید: «تمام بازی‌های ساعت ۲۳ را به صورت زنده تماشا کرده‌ام و اگر چند تایی از مسابقه‌های عصر را ندیدم به خاطر انجام دادن سروقت تمرینات آماده‌سازی خودم بود. جالب است بگویم حین تمرینات وقتی با داوران جوان کشورمان صحبت می‌کردم آنها نظرات بسیار خوبی نسبت به داوری‌ها داشتند و خیلی خوب مسائل را می‌فهمیدند.»

حرف‌هایمان به حسن کامرانی‌فر و نمایش‌اش در جام جهانی کشیده می‌شود. به عقیده محسن ترکی بزرگ‌ترین بدشانسی کامرانی‌فر وقتی رخ داد که مسعود مرادی از فهرست نهایی داوران حاضر در آفریقای جنوبی کنار گذاشته شد. بعد از این اتفاق بود که کامرانی‌فر به تیم داوری خلیل الغمدی عربستانی فرستاده شد و آنها تا پیش از شروع جام تنها چهار مسابقه را کنار هم قضاوت کردند و برای هماهنگی سه چهار ماه فرصت داشتند. ترکی می‌گوید: «به عقیده من هموطن بودن اعضای یک تیم داوری بسیار اهمیت دارد. در کشورهای اروپایی این موضوع تا حدود بسیار زیادی حل شده است و مثلاً یک تیم داوری در طول یک فصل بارها و بارها در کنار هم به میدان می‌روند و تجربه کسب می‌کنند اما در آسیا این‌طور نیست و می‌بینیم خلیل الغمدی و تیمش به خاطر بعد مسافت تنها چند بازی در جام ملت‌های آسیا کنار هم بودند.»

از بهترین‌ها و بدترین‌ها می‌پرسم و خیلی شگفت‌زده نمی‌شوم وقتی ترکی هم عملکرد حسن کامرانی‌فر را در بازی مکزیک و آرژانتین انتخاب می‌کند. در بخش بدترین‌ها محسن ترکی هیچ‌کس را به اندازه اسپینوزا و لاریوندا شایسته دریافت زرشک زرین نمی‌داند. آنها در بازی آلمان و انگلستان روح بهرام‌اف آذربایجانی را شاد کردند و تا سال‌ها ناله و نفرین مردم بریتانیا را برای خود خریدند.

یادداشت

دکتر پرویز سیار/ کارشناس داوری

دسته‌گل‌هایی که هاوارد وب به آب داد

انتخاب بهترین داور برای مهم‌ترین مسابقه تورنمنت رسم همیشگی فوتبال دنیاست. در فوتبال خودمان هم می‌بینیم که همیشه سوت زدن مهم‌ترین و حساس‌ترین مسابقه برعهده بهترین داور گذاشته می‌شود. از دیدگاه کمیته داوران فدراسیون فوتبال هم به طور قطع آقای هاوارد وب باید بهترین داور مقام ۶۳ مسابقه آفریقای جنوبی می‌بود و آنها باید برگ برنده خودشان را رو می‌کردند. اما در پایان مسابقه وقتی عملکرد او را مرور می‌کنیم تنها عصبانیت باقی می‌ماند و افسوس چرا که به معنای واقعی کلمه این یک داوری افتضاح و باورنکردنی بود. ملاک و معیار قضاوت در مورد عملکرد یک داور همیشه به حوادث و اتفاقاتی بستگی دارد که به خصوص در محوطه جریمه دو تیم رخ می‌دهد. دست بر قضا مسابقه اسپانیا و هلند در نبرد سرنوشت‌ساز ژوهانسبورگ همه چیز داشت و سرشار از اتفاقات ناب فوتبالی بود اما متاسفانه تنها و تنها می‌توان گفت مرد انگلیسی بازی را خراب کرد. اگر به عملکرد او تا دقیقه ۲۸ نگاه بیندازیم می‌بینیم «وب» کاری کرد تا بازی به خشونت کشیده شود.

عجیب اینکه اخطار اول او به «فن‌پرسی» در دقیقه ۱۵ مسابقه فقط به خاطر چندهزارم ثانیه اشتباه بازیکن در محاسبه موقعیت توپ از جیب خارج شد و در نتیجه همین مساله قاضی میدان خودش به لاک دفاعی فرو رفت. او در طول مسابقه چندین و چند بار مجبور شد برای به اصطلاح اداره کردن بازی «تیر مشقی» شلیک کند. او برای این کار مجبور بود مدام بازیکنان را با اشاره به جیب و خارج زمین به اخراج شدن تهدید کند. در دقیقه ۲۸ خطای وسلی اشنایدر هلندی می‌توانست جریمه‌ای به سنگینی کارت قرمز داشته باشد ولی در کمال تعجب دیدیم که وب تنها او را تهدید کرد. همین بازیکن در دقیقه ۷۵ بار دیگر به جیب‌های هاوارد وب حواله داده شد. واقعاً یک داور چند مرتبه می‌تواند در طول ۹۰ دقیقه یک بازیکن را تهدید کند آن هم داوری که فینال جام جهانی را سوت می‌زند؟

اگر «هاوارد وب» بهترین داور تورنمنت بود واقعاً باید گفت وای به حال بقیه. اما گل سرسبد آقای وب در دقیقه ۲۸ به آب سپرده شد؛ وقتی دی‌یانگ با کف پا میخ‌های آهنی استوک‌اش را به قفسه سینه ژابی آلونسو فرو کرد. متاسفانه در توصیف این صحنه قید «خطرناک» به تنهایی کافی نیست و باید از لغت «وحشیانه» استفاده کرد، چرا که اگر این ضربه ۱۵ سانتی‌متر بالاتر وارد می‌شد، معلوم نبود چه بلایی سر فک و صورت هافبک دفاعی اسپانیایی‌ها می‌آمد.

از اشاره به این نکته‌ها قصدم این بود که رفته‌رفته سراغ بحث آموزشی موضوع برویم. به عقیده من مهم‌ترین مساله شروع شدن سر وقت بازی‌ها بود. هفت هشت دقیقه مانده به شروع بازی تیم داوری از راهرو عبور می‌کرد تا به داخل زمین بیاید. صف کشیدن تیم‌ها، پخش سرود ملی و اجرای مراسم سکه انداختن همه سر وقت انجام شد. البته شاید بگویید چنین برنامه‌ریزی خیره‌کننده‌ای فقط بر عهده قاضی میدان نبوده است اما در مورد اقتدار داور چه بهانه‌ای می‌توان آورد؟

جلوه خدشه‌ناپذیر و قدرقدرتی یک داور فوتبال را بدون ذره‌ای اغراق در آفریقای جنوبی نظاره‌گر بودیم. چنین چهره‌ای حتی می‌تواند به عنوان یک فرد منصف روی بیننده اثر بگذارد. یک داور در کنار منصف بودن باید مقتدر باشد و برای اجرای عدالت از کسی واهمه نداشته باشد. نباید از تماشاچی ترسی به دل راه بدهد. شما ببینید آقای فرگوسن با یکی از مشهورترین چهره‌های فوتبال دنیا یعنی دیوید بکام چه رفتاری در رختکن ورزشگاه دارد. بکام آن زمان از فرط شهرت حتی نمی‌توانست در انظار عمومی حاضر شود ولی رد کفش پرتاب‌شده از سوی فرگوسن روی صورت بکام تمام این شهرت و معروفیت را به چالش کشید. حالا بیایید مرور کنیم که «بت» فرگوسن بزرگ چطور در برابر یک اشاره داور خرد می‌شود.

در کنار این اقتدار، داور «باید» تحصیلکرده باشد، «باید» آگاه به قوانین باشد و «باید» شیک‌پوش باشد. اما من همیشه گفته‌ام قبل از همه این «بایدها» ناگزیریم به یک داور رسیدگی کنیم. در این مورد از مارکوس مرک آلمانی مثال بزنیم. این آقا همان‌طور که می‌دانید قبل از سوت به دهان بردن، دست‌هایش را به دهان مردم فرو می‌برد و به حرفه دندانپزشکی مشغول بود. اما شاید ندانید مرک برای تبدیل شدن به یک داور تمام‌عیار به مدت دو سال کرکره‌های مطب دندانپزشکی خود را پایین کشید تا فقط تمرین کند. در این شرایط، داوری تنها منبع درآمد او بود. حالا اگر فدراسیون فوتبال آلمان و کمیته داوران این کشور فقط ۱۰ مارک به او حقوق ماهیانه پرداخت می‌کردند به نظر شما چه اتفاقی می‌افتاد؟ متاسفانه الان ما انتظار داریم امثال سعید مظفری‌زاده با حقوق ۳۲۰ هزار تومان داوری کنند. این مبلغ در مقایسه با قراردادهای ۵۰۰ یا ۷۰۰ میلیون تومانی بازیکنان چه چیزهایی را ثابت می‌کند؟

در کنار اینها فکر می‌کنم جام جهانی آفریقای جنوبی می‌تواند یک کلاس درس تمام‌عیار برای جامعه داوری ما باشد. می‌توان تمام صحنه‌هایی را که داخل محوطه جریمه تیم‌ها اتفاق افتاد و باید قدرت اجرایی و توانایی یک داور خوب را در آنها محک زد، روی میز تشریح ریخت و درباره‌اش جزء به جزء صحبت کرد.

دوست دارم به همه کمک‌داورهای فوتبال کشورمان توصیه کنم یک بار به صورت مفصل وقت بگذارند و صحنه‌هایی را که در آنها امثال اسپینوزا مرتکب اشتباه شدند، مرور کنند. جامعه داوری ما باید بنشیند و داوری‌های ویکتور کاسایی و ماسیمو بوساکا را یک بار به دقت بررسی کند. اگرچه من در مجموع خیلی لذت نبردم و فکر می‌کنم نکته‌های مثبت آموزنده‌ای در آفریقای جنوبی به ندرت رخ داد اما باز هم می‌توان یک کلاس درس آموزشی برگزار کرد و از اشتباهات داوران در جام جهانی ۲۰۱۰ درس گرفت.

خبر جام

توماس مولر در بین برترین‌ها قرار نگرفت

سه دفاع راست در تیم منتخب فیفا

فیفا چهار روز پس از پایان جام جهانی تیم منتخب جام نوزدهم را اعلام کرد؛ تیمی که در سیطره اسپانیایی‌ها قرار دارد. از همان پنجشنبه‌شب که تیم منتخب جام جهانی ۲۰۱۰ از طریق سایت فیفا معرفی شد، کارشناسان از این انتخاب فدراسیون جهانی فوتبال انتقاد کردند. این تیم دارای نکات عجیبی است. حضور سه مدافع راست و قرار نگرفتن توماس مولر در جمع منتخبان بهانه مناسبی در اختیار منتقدان قرار داده تا انتخاب فیفا را زیر سوال ببرند. دروازه‌بان تیم برتر جام جهانی ایکر کاسیاس اسپانیایی است که انتخاب بی‌حرف و حدیثی به شمار می‌رود. مایکون (برزیل)، فیلیپ لام (آلمان)، کارلس پویول (اسپانیا) و سرخیو راموس (اسپانیا) نفرات تیم منتخب فیفا در خط دفاعی را تشکیل می‌دهند.

در بین این چهار بازیکن تنها یک دفاع وسط (پویول) مشاهده می‌شود و سه بازیکن دیگر دفاع راست‌اند. این در حالی است که انتخاب بازیکنانی همچون جیووانی فن‌برونکهورست، آرنه فریدریش یا پرمرتساکر می‌توانست به انتخاب فیفا در خط دفاعی تناسب بدهد. باستین شواین اشتایگر (آلمان)، وسلی اشنایدر (آلمان)، ژاوی و اینیستا (اسپانیا) نفرات خط میانی‌اند. این بازیکنان آنقدر در جام جهانی خوش درخشیدند که هیچ منتقدی نمی‌تواند انتخاب آنها را ناعادلانه بداند. داوید ویا اسپانیایی و دیه‌گو فورلان اروگوئه‌ای هم زوج خط دفاعی تیم برتر جام نوزدهم را تشکیل می‌دهند. در جمع این ۱۱ بازیکن، شش بازیکن اسپانیایی‌اند. آلمان دو سهمیه دارد. به برزیل و اروگوئه هم یک بازیکن رسیده است. انتخاب نشدن توماس مولر برنده توپ طلایی جام جهانی و بهترین بازیکن جوان جام از دیگر نکات انتقادآمیز فهرست فیفاست. کارشناسان عنوان می‌کنند بهتر بود فیفا سیستم ۳-۳-۴ را برای این تیم برمی‌گزید تا برای توماس مولر هم جایگاهی به وجود می‌آمد. اینکه از اسپانیا شش بازیکن و از هلند تنها یک بازیکن انتخاب شده هم چندان منطقی به نظر نمی‌رسد و فیفا می‌توانست پویول را انتخاب نکند و یکی از مدافعان هلند را جایگزین او کند. انتخاب مایکون هم چندان ضروری نبود.